

### متن پرسش

سلام بر استاد عزیز: وقتتون بخیر. استاد جانم، شما هم احساس می‌کنید بخشی از این خانمها که بی حجاب شده اند، از سر لج کردن به عملکرد ما اینطور شدن؟ نحوه برخورد نادرست و سلیقه ای و فاقد کرامت بخشی از بدنه گشت ارشاد، عملکرد تبعیض آمیز آن، مثلاً در سال ۸۴ تا ۸۸ من ساکن شهرک غرب تهران بودم در مناطق بلاشهر و پاساژها و مال‌ها، همان سالها حجاب افتضاح بود اما در این مکان‌ها گشت ارشادی نبود، آیا ارشاد فقط برای مناطق متوسط و قشر متوسط است؟ خب مردم این تبعیض‌ها رو می‌فهمند و خشمگین می‌شن، یا مثلاً جشنواره فیلم فجر که مرکز بی‌حجابی است چرا یک ماشین گشت ارشاد دم در جشنواره نمی‌گذاشتن که هر بازیگری با اون حجابهای وحشتناک خارج شد رو جهت ارشاد سوار ون کنند و بیرن؟ که اتفاقاً سرچشمه خیلی از بی‌حجابی‌های جامعه ما همین حضرات بازیگرند. خب چطور در یک کشور قانون شامل حال یک عده میشه و شامل حال عده ای دیگر نمیشه؟ شامل حال مناطق پایین شهر میشه ولی شامل حال مناطق مرفه و بلاشهر نه؟ خب اگر ما واقعا قصدمان اجرای قانون بوده باید در خیابان فرشته و نیاوران و الهیه و... هم به مَرّ قانون عمل می‌کردیم، بدون ترس از عواقب، باید بازیگران متجاهر به بدحجابی رو هم می‌گرفتیم و ارشاد می‌کردیم بدون ترس از واکنشها، ولی این کار رو نکردیم! رفتیم مرکز شهر و پایین شهر چون صدای قشر متوسط به جایی نمیرسه! استاد قبول دارید که مردم می‌فهمند و نمیشه کلاه سرشون گذاشت؟ من خودم حزب الهی و انقلابی ام، اما قبول دارید یک سری عملکردها زبان ما رو الکن کرده و انقلاب رو در مظان اتهام برده؟ قبول دارید کسانی که با عملکردهای غلطشون به اسم گشت ارشاد دستی دستی مردم رو مقابل دین و حجاب قرار دادن باید استغفار جدی کنن چون به نظر من به نوعی در این ناآرامی‌ها و خونهای به ناحق ریخته شده شهید عجمیان‌ها و آرمان‌ها و... ممکنه دخیل باشن؟ ما اون سعه لازم رو نداشتیم و با تنگ نظری‌های خودمون حقیقت دین رو به محاق بردیم. خدا ان شاءالله از سر کوتاهی‌ها بگذره و خودش جبران مافات کنه

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان‌که رهبر معظم انقلاب در بیانیه «گام دوم» فرمودند اگر ما متوجه چنین ضعف‌هایی در خودمان نباشیم و با خودآگاهی تاریخی نسبت به آن‌ها آگاهی لازم را نداشته باشیم، عملاً بیش از آن‌که از دشمنان ضربه بخوریم، از دوستان نادان خود ضربه می‌خوریم و انتقاد آن‌هایی که روی این ضعف‌ها دست می‌گذارند را، وسیله‌ای قرار می‌دهیم تا کلیت نظام مقدس

اسلامی را ناکارآمد و نفی کند. آنچه موجب امیدواری است همین است که بحمدالله خرد انقلاب طوری است که در هر مرحله‌ای خود را بازخوانی می‌کند، زیرا به گفته جناب نیچه، ماری که پوست نیندازد، می‌میرد. باید با نظر به افق قدسی تاریخی که در پیش است، قدم به قدم از این تنگناهای تاریخی عبور کرد.

ما به جهت غفلت‌های تاریخی و غرب‌زدگی، درد انباشته قرن‌ها و دهه‌ها را در پشت خود احساس می‌کردیم و با حاکمیت رژیم پهلوی آن فشار به تدریج شدید و شدیدتر شد در آن حدّ که باید همراه جناب حافظ ندا سر می‌دادیم:

درون‌ها تیره شد باشد که از غیب چراغی بر کند خلوت نشینی

واقعاً دیگر در راستای اصلاح امور از دست هیچ سیاستمداری و هیچ روشنفکری هیچ کاری بر نمی‌آمد تا این‌که آن خلوت‌نشین سالک، آن پیر جهان‌دیده یعنی حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به میان آمد و نشان داد: «آنچه در آینه جوان ببند/ پیر در خشت خام آن ببند!» ما را متذکر آینده و چشم‌اندازی کرد که با همه موانع موجود، ولی راه بسی روشن است، به روشنی‌نگاهی که امروز نایب الإمام متذکر آن است و در توصیه خود به دانشجویان می‌فرماید:

«توصیه اول من پرهیز از انفعال و ناامیدی است؛ مواظب باشید؛ یعنی مواظب خودتان باشید، مواظب دل‌تان باشید، مواظب باشید دچار انفعال نشوید، دچار ناامیدی نشوید. شما باید کانون تزریق امید به بخش‌های دیگر باشید... مواظب باشید به افق پشت نکنید، به قلّه پشت نکنید، همیشه به سمت قلّه و به سمت افق روشن حرکت کنید.» (۱۴۰۱/۰۲/۱۱)

موفق باشید.